اخبار

بهمن فرمان‌آرا «چشم‌هایش» را کلید زد

فیلمبرداری فیلم سینمایی «چشم‌هایش» به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا آغاز شد.

به گزارش ایسنا اردیبهشت‌ماه خبر آغاز پیش‌تولید فیلم سینمایی «چشمهایش» به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا منتشر و اعلام شد که این فیلمساز پیش‌تولید تازه‌ترین فیلم خود را با اقتباس از رمان «چشم‌هایش» اثر ماندگار بزرگ علوی در شهرک سینمایی غزالی آغاز کرده است.

علی مصفا، صابر ابر، شمس لنگرودی، مهدی پاکدل و لاله مرزبان پیش‌تر به عنوان گروهی از بازیگران فیلم معرفی شده بودند و طبق اعلام روابط عمومی فیلم، با پیوستن بهناز جعفری، علی شادمان، پانته‌آ پناهی‌ها و ژاکلین آواره تیم بازیگران این اثر تکمیل شده است.

در میان عوامل پشت صحنه، رضا عاطفی(مجری طرح)، غزل رشیدی (منشی صحنه)، محمود کاشانی (مدیر صدابرداری)، محمدمهدی دل‌خواسته (عکاس) نیز به گروه تولید این فیلم پیوسته‌اند.

فیلمبرداری فیلم «چشم‌هایش» با اقتباس از رمان بزرگ علوی و کارگردانی بهمن فرمان‌آرا و با حمایت بنیاد سینمایی فارابی در شهرک سینمایی غزالی آغاز شده است.

مجوز این فیلمنامه که شادمهر راستین و بهمن فرمان‌آرا به طور مشترک نویسندگی آن را برعهده دارند، در هفتادمین سالگرد چاپ این اثر صادر شده است.

«چشم‌هایش»، رمانی است که اولین بار در سال ۱۳۳۱ منتشر شد و داستانی پر رمز و راز از زندگی یک نقاش انقلابی را روایت می‌کند؛ نقاشی که در دل فضای پرتنش سیاسی و اجتماعی، با دنیایی پیچیده از عشق و مبارزه روبه‌رو است. بهمن فرمان‌آرا، کارگردان و نویسنده سینما که پیش از این تجربه‌های موفقی چون «شازده احتجاب» و «سایه‌های بلند باد» را در کارنامه دارد، با این پروژه دوباره به سراغ ادبیات معاصر ایران آمده تا تصویری نو از این اثر جاودانه خلق کند.

برای بازی در سریال «کوری»

سارا بهرامی به مریلا زارعی و امیر جعفری پیوست

سارا بهرامی به جمع بازیگران سریال «کوری» پیوست.

به گزارش ایسنا، سارا بهرامی در کنار مریلا زارعی و امیر جعفری یکی از نقش‌های اصلی سریال «کوری» را بازی می‌کند.

«کوری» به کارگردانی سجاد پهلوان زاده، تهیه‌کنندگی کاظم دانشی و نویسندگی امیر ابیلی برای پخش از فیلم‌نت در حال فیلمبرداری است. سارا بهرامی دارای سیمرغ بلورین و سه نامزدی بهترین بازیگر در جشنواره فیلم فجر است که نقشی متفاوت را در «کوری» ایفا می‌کند. به زودی دیگر بازیگران این سریال که سوژه‌ای اجتماعی دارد، معرفی می‌شوند.

در خلاصه داستان این سریال آمده است: «و عدالت برای همه...!»

لیست برخی از عوامل سریال عبارتند از:

کارگردان: سجاد پهلوان‌زاده، تهیه کننده: کاظم دانشی، نویسنده: امیر ابیلی، مدیر فیلمبرداری: سعید براتی، طراح صحنه: امیر زاغری، مدیر صدابرداری: مهدی ابراهیم‌زاده، طراح گریم: محمود دهقانی، طراح لباس: زهرا صمدی، مدیر تولید: مینا سنگ‌سفیدی، دستیار کارگردان و مدیر برنامه‌ریزی: راما هاشمی، بازیگردان: علی صلاحی، منشی صحنه: گل کوشان، مدیران تدارکات: اکبر مهری و امیر جعفری، عکس: مجید طالبی.

وظیفه‌ی رسانه واکنش آنی، کنش‌مند بودن، دقت و سرعت در عمل است

رسانه ملی تک‌صدا نیست، بی‌صداست

در حالی که افکار عمومی در بحبوحه جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران چشم‌انتظار روایت‌های شفاف و ملی از سوی رسانه‌ها بودند، فریدون صدیقی، روزنامه‌نگار و استاد پیش‌کسوت روزنامه‌نگاری، با نقد جدی عملکرد صداوسیما می‌گوید این رسانه «کنش‌مند نیست، واکنشی است» و در عمل «سال‌هاست کارکرد ملی خود را از دست داده است». او معتقد است رسانه ملی، نه‌تنها در روایت‌سازی ملی و بحران‌محور ناتوان بوده، بلکه با بی‌توجهی به مخاطب، عملاً میدان را برای رسانه‌های برون‌مرزی باز گذاشته است.

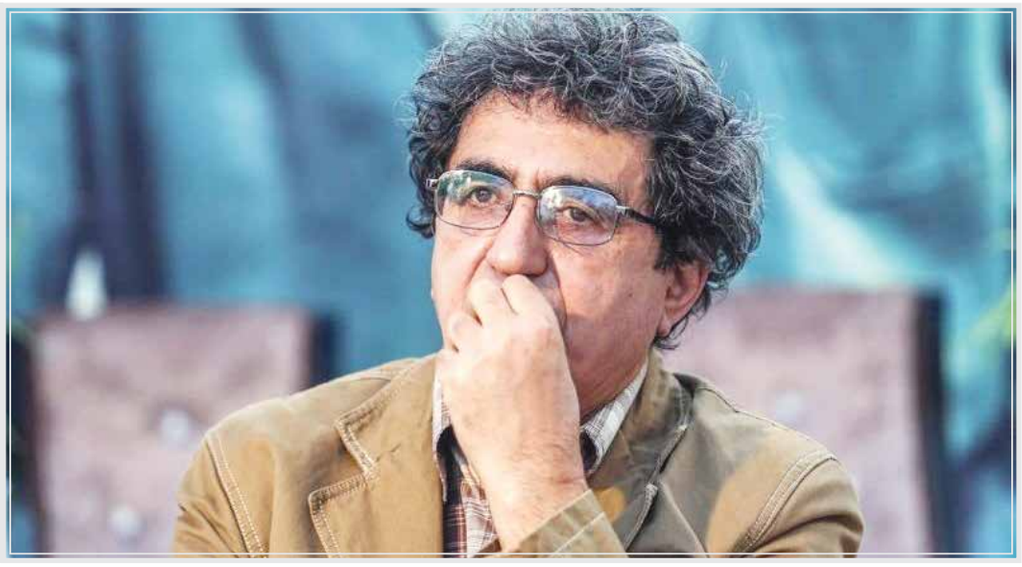

صدیقی: عمیقاً متأسفم که صداوسیمای ما سال‌هاست مخاطب‌محور نیست. بسیاری از رسانه‌های دیگر ما هم مرجعیت خود را از دست داده‌اند

فریدون صدیقی در گفت‌وگو با خبرآنلاین، با انتقاد از فقدان مخاطب‌محوری، تک‌صدایی شدن رسانه ملی، نبود خبرنگاری میدانی و مرجعیت از دست رفته‌ی رسانه‌ها، درباره صدا و سیمایی سخن می‌گوید که دیگر نه اعتماد عمومی را دارد، نه سرعت و دقت در روایت واقعیت، و نه حتی جسارت شنیدن صدای مخالف در چارچوب منافع ملی. به اعتقاد او، رسانه‌ای که مخاطب را نمی‌شناسد، طبیعتاً برنامه‌ای هم برای او ندارد، و نتیجه‌ی این بیگانگی، کوچ تدریجی افکار عمومی به سوی رسانه‌های بیگانه‌ای است که هرچند با نیت‌های سیاسی و غیردوستانه عمل می‌کنند، اما صدایی را بازتاب می‌دهند که مردم در رسانه رسمی خود گم کرده‌اند.

در این گفت‌وگو، صدیقی فقط از ضعف فنی یا محتوایی این رسانه گلایه نمی‌کند؛ او از بحران اعتماد، از نادیده‌گرفتن عقل جمعی، و از ساختاری می‌گوید که «رسانه ملی» را به ابزاری برای حفظ یک نگاه خاص بدل کرده است، نه انعکاس‌دهنده‌ی صدای ملی. از نگاه او، صداوسیما دیگر نه رسانه‌ای ملی، که تنها پژواک یک جریان محدود فکری است؛ رسانه‌ای که به‌جای همراهی با مخاطب، از او فاصله گرفته و هر روز بیشتر به بی‌صدا شدن نزدیک می‌شود.

در پاسخ به این پرسش که در دوران بحران، روایت ملی و مؤثر چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد و صداوسیما چقدر در جنگ ۱۲ روزه موفق به چنین روایتی شد، گفت: «صداوسیمای ما جناحی است و جناحی بوده است. این جناحی بودن باعث شد پاره‌ای از اخبار نگاهی جناحی داشته باشد. این خود به خود اتفاق نیفتاده، بلکه سال‌هاست در این سازمان نهادینه شده است. صداوسیمای ما یک رسانه کنش‌مند نیست، معمولاً واکنشی است؛ یعنی اتفاقی می‌افتد و وقتی از طریق شبکه‌های مجازی یا شهروندخبرنگاران منتشر می‌شود، آن‌وقت وارد عمل شده و واکنش نشان می‌دهد.»

صدیقی ادامه داد: «وظیفه‌ی رسانه واکنش آنی، کنش‌مند بودن، دقت و سرعت در عمل است. اما صداوسیمای ما هرگز این‌طور نبوده و دهه‌هاست این موضوعات مشمول حالش نمی‌شود و همچنان به همین رویکرد ادامه می‌دهد.»

به باور او صداوسیما در مورد جنگ ۱۲ روزه، پوشش خبری درستی ارائه نداد و ادامه می‌دهد: «اول به این دلیل که جامعه را به زعم خودش نگران و لرزان نکند و دوم این‌که با نشر خبر و تصاویر غیرمستقیم، به زعم خود، به رسانه‌ها و خبرنگارانی که دشمن تلقی می‌شوند، کمک نکند.»

او با تأکید بر تأخیری بودن عملکرد صدا و سیما در پوشش اخبار، افزود: «در نتیجه‌ی همین نگاه، ما کمتر خبرهایی را دیدیم که به‌موقع منتشر شوند. بیشتر خبرهای تأخیری را می‌دیدیم که از فلان خبرگزاری یا شبکه برون‌مرزی منتشر شده بود.»

صدیقی به جِد باور دارد که رادیو و تلویزیون ما که منسوب به «ملی» است، مدت‌هاست کارکرد ملی‌اش را از دست داده و چنین قابلیتی برای روایت‌گری ملی را ندارد.

مخاطب موضوعیت ندارد

وقتی بحث به شناخت مخاطب رسید، صدیقی با اشاره به سه کارکرد اصلی یک رسانه توضیح داد: «رسانه سه کارکرد دارد؛ خبررسانی به موقع، دقیق و صحیح، تحلیل رویداد، و سوم سرگرمی. سال‌هاست صدا و سیما مرجعیت خود را در خبررسانی و تحلیل رویدادها از دست داده. آنچه برایش مانده، فقط سرگرمی است، آن هم در حد یک سریال و پخش برنامه‌های تلویزیونی که اغلب دستخوش تغییرات نابجا و ناروا می‌شود تقلیل یافته است. به عنوان مثال برنامه نود فردوسی‌پور یکی از برنامه‌های پرمخاطب تلویزیون بود اما نتوانستند تحملش کنند، در حالی که آن برنامه مخاطب داشت، سودآوری داشت و آورده‌ی اجتماعی بالایی برای صداوسیما فراهم کرده بود؛ ولی آن را نادیده گرفتند و حذفش کردند. بنابراین صداوسیمای ما اصلاً مخاطب‌محور نیست. بیشتر برای یک جریان فکری است و مخاطبش هم از همان گروه است. بنابراین این‌که چند درصد مردم تلویزیون می‌بینند برای این سازمان اهمیتی ندارد.»

صدیقی سپس با اشاره به فقدان حضور به‌موقع خبرنگاران در صحنه‌ی حوادث گفت: «مثلاً اسرائیل به خاک ایران تجاوز کرده و اهدافش پادگان‌ها و مکان‌های نظامی بوده. آیا صدا و سیما، با آگاهی از این مسئله، خبرنگاران و تصویربردارانش را بلافاصله به محل حادثه اعزام می‌کرد تا گزارش بگیرند؟ من کاملاً بعید می‌دانم. کما اینکه در حمله‌ای که به خود صدا و سیما شد، خودش هم غافلگیر شد.»

او ادامه داد: «عمیقاً متأسفم که صداوسیمای ما سال‌هاست مخاطب‌محور نیست. بسیاری از رسانه‌های دیگر ما هم مرجعیت خود را از دست داده‌اند. سایت‌ها، روزنامه‌ها، خبرگزاری‌ها... چرا کسی رغبت نمی‌کند روزنامه بخرد؟ چون بیشتر رسانه‌های ما تأخیری عمل می‌کنند. در حالی که وظیفه‌ی رسانه و خبرنگار، حضور به‌موقع و بهنگام در صحنه است. اگر قرار است مورد مواخذه قرار گیرد، ما دروازه‌بان خبر داریم. سردبیر یا مدیرمسئول آن رسانه باید مؤاخذه شود.»

او در پایان این بخش از سخنانش، با انتقاد از وضعیت صنفی خبرنگاران گفت: «در سال‌های اخیر، نمونه‌های زیادی بوده که خبرنگاران به خاطر تهیه‌ی گزارش، از ادامه‌ی کار محروم شده‌اند. به همین دلیل، به گمان من، ناامیدترین قشر جامعه برای انجام وظیفه‌ی درست خود، روزنامه‌نگاران هستند. آن‌ها عملاً کارمند شده‌اند؛ خودشان را مثل کارمند ساده‌ی ثبت احوال می‌بینند که فقط باید شناسنامه صادر کند.»

صداوسیما حتی تک‌صدا هم نیست؛ بی‌صداست

صدیقی در پاسخ به پرسشی درباره تک‌صدایی شدن رسانه ملی و حضور تحلیلگران تکراری، گفت: «من اصلاً قائل به تک‌صدایی بودن هم نیستم. رادیو و تلویزیون ما در واقع بی‌صدا حرکت می‌کند. اگر هم گاهی چند نفر از جناح اصلاح‌طلب دعوت می‌شوند، مصاحبه‌ها بیشتر هدایت‌شده است. سعی می‌کنند صداها را کنترل کنند یا نادیده بگیرند.»

او با اشاره به حذف صداهای دلسوز اما متفاوت افزود: «آدم‌هایی که دعوت می‌شوند، قطعاً حرفی برای گفتن دارند. اما آیا آن نظرها باعث تغییر یا اصلاح رویکرد شده؟ اصلاً و ابداً. حتی کسانی که دیدگاه مخالف دارند، همگی پایبند به منافع و مصالح ملی‌اند. من کسی را نمی‌شناسم که بخواهد در رسانه ملی حرف بزند و هر چه دلش خواست بگوید.»

او ادامه داد: «ده‌ها تحلیل‌گر واقع‌بین داریم که در چارچوب منافع ملی می‌نویسند. اما رسانه‌ی ما، آن‌ها را حداقلی و بی‌اهمیت تلقی می‌کند. بودن و نبودن آن صداها برای رسانه ملی بی‌اهمیت شده است. برای همین است که آن‌ها اگر بخواهند حرف بزنند، می‌روند با رسانه‌های بیگانه حرف می‌زنند.»

خودمان مردم را به سمت رسانه‌های برون‌مرزی سوق دادیم

در ادامه گفت‌وگو، فریدون صدیقی درباره انتقادات نسبت به رجوع مردم به رسانه‌های خارجی، چنین توضیح داد: «هر رسانه‌ای می‌خواهد پیامش را به مخاطب هدفش برساند. اگر رسانه‌ای برای سازمان نظام پزشکی است، برای پزشکان، دانشجویان پزشکی و علاقه‌مندان به پزشکی تولید محتوا می‌کند. یک رسانه ورزشی است، یکی سیاسی است، یکی عمومی. بنابراین وقتی رسانه‌های داخلی ما خواسته یا ناخواسته، مخاطب را هل داده‌اند که ما را نبین، نشنو، نخوان، طبیعی است که او به سمت رسانه‌های برون‌مرزی سوق داده شود.»او ادامه داد: «هر رسانه‌ای کارکرد و هدف خودش را دارد. انتقاد از رسانه‌ای مثل اینترنشنال بی‌مورد است. چون آن رسانه برای دشمنی با جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته. بی‌بی‌سی یک نوع محتوا تولید می‌کند، الجزیره یک نوع دیگر. این‌که آن‌ها صدای ما نیستند، عجیب نیست. صدای ما باید در داخل کشور تولید شود.» صدیقی با انتقاد از ضعف رسانه‌های داخلی گفت: «عمیقاً متأسفم که رسانه‌های ما عموماً صدای مخاطب خودشان نیستند. در نتیجه نباید انتظار داشته باشیم که رسانه‌ی خارجی دوست ما باشد و برای ما حرف بزند. چرا روزنامه‌های ما حداقلی شده‌اند؟ چرا خبرگزاری‌ها دیده و خوانده نمی‌شوند؟ ما پنج میلیون دانشجو داریم، نود میلیون جمعیت داریم، چرا این اتفاق می‌افتد؟ این را نهادهای بالادستی مثل وزارت ارشاد باید پاسخ دهند.»

او در پایان گفت: «مخاطب، وقتی صدای خودش را در رسانه داخلی نشنود، مجبور است سراغ صدای بیرون برود. رسانه باید به نیاز واقعی مخاطب پاسخ دهد تا مخاطب سراغ رسانه‌های بیگانه نرود.»

«بن بست» مروری نیمه تمام بر کارنامه درخشان بابک بیات

مستند «بن بست» ساخته مصطفی شیری مروری اندوهبار بر زندگی و موسیقی‌های بابک بیات است؛ مستندی که مروری نیمه تمام برکارنامه‌ای درخشان یکی از شاخص ترین اهنگسازان تاریخ معاصر است و فیلمساز مجبور شده از بسیاری ترانه‌ها یا موسیقی فیلم‌ها بگذرد.

به گزارش برنا؛ در مستند «بن بست» که فیلمی متوسط درباره یک اسطوره است، فیلمساز سعی کرده از خلال گفت‌وگو با همکاران بابک بیات، به تصویری از این آهنگساز نامدار دست یابد.

فیلمساز با نزدیک شدن به بابک بیات، اندوهِ ته نشین شده در روح و جان این هنرمند را ثبت کرده، کارگردان کمتر فرصت این را داشته تا از خلق هنری با بیات صحبت کند، این وظیفه را فیلمسازانی که با او همکاری کرده‌اند، (بهرام بیضایی یا سیروس الوند) به خوبی و درستی انجام می‌دهند اما بیات تنها به جمله‌هایی کوتاه درباره روند خلق موسیقی اشاره کرده و از پرداختن به جزئیات پرهیز می‌کند.

شخصیت هنری بابک بیات و انبوه آثار درخشانی که پیش و بیشتر پس از پیروزی انقلاب اسلامی خلق کرد، جای کار بسیاری داشت، اما در فیلم کمتر به کودکی، یا خانواده بیات و علاقه‌اش به موسیقی اشاره می‌شود. شاید این پرهیز، از محدودیت‌هایی نشات گرفته که بیات داشته و فیلمساز به آن تن داده است.

در شکل فعلی، «بن بست» مروری نیمه تمام برکارنامه‌ای درخشان است و فیلمساز مجبور شده از بسیاری ترانه‌ها یا موسیقی فیلم‌ها بگذرد. اشاره کوتاه به ترانه «فریاد زیر آب» یا موسیقی «مسافران» و «مرسدس» وجه تاریخی و مهمی دارند که خوشبختانه در این فیلم ثبت شده است. فیلم، می‌توانست به تاثیر بابک بیات بر آهنگسازان پس از خود اشاره کند، و به این بپردازد که جنس موسیقی و ملودی کارهای او دیگر در آثار آهنگسازان تکرار نشده و منحصربه‌فرد باقی مانده است. کارگردان می‌توانست به این موضوع بپردازد که چرا خوانندگانی با صدایی باکیفیت مانند مانی رهنما، حمید حامی و نیما مسیحا که کشف بابک بیات بودند در بازار موسیقی پاپ ایران جایگاهی نیافتند، بازاری که خوانندگان نازلی مانند «ماکان بند» یا نمونه‌هایی از این دست سال‌هاست در آن مشغول فعالیت و برگزار کنسرت هستند.

«بن بست» که پس از درگذشت بیات ساخته شده، به سوگنامه‌ای برای این هنرمند از دست رفته تبدیل شده است، در حالی که می‌شد فیلم را با تحلیل این کارنامه سترگ و نقش چندوجهی بیات، به یک پژوهش جدی درباره این هنرمند تبدیل کرد. از میان آنان که مقابل دوربین هستند، بهرام بیضایی به واسطه شخصیت خردمند و فرزانه خویش، عمیق صحبت می‌کند. فریدون شهبازیان بدون حسادت، از منظر یک آهنگساز به کار بیات نگاه کرده و سیروس الوند، کارنامه سینمایی بیات را درست تحلیل کرده، اما سهم فیلمساز در پژوهش و بازخوانی این پرونده قطور اندک است.

در میان تولیدات مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در دهه ۸۰ آثار فراوانی را می‌توان یافت که درباره مشاهیر ایران معاصر است، روندی که در دهه ۹۰ و پس از آن، متوقف یا کمرنگ شده است. ساخت فیلم‌هایی درباره بابک بیات، شهرام ناظری، ابراهیم اصغرزاده و مواردی از این دست، کوشش‌هایی برای ثبت تاریخ معاصر و ستودنی بود. اما در دهه ۹۰ و پس از آن، مرکز کمتر به سراغ چهره‌های شناخته شده، محبوب و مردمی رفت.

در شرایطی که اسناد تصویری درباره بزرگان موسیقی و هنر ایران، اندک است، «بن بست» دست کم بخشی از هنر و نبوغ یا حتی اندوهِ حاکم بر زندگی هنرمندی را ثبت می‌کند که بسیار زود از میان ما رفت. تماشاگر، پس از حدود بیست سال از درگذشت بیات، به یاد می‌آورد که بسیاری از ترانه‌هایی که زیر لب زمزمه می‌کند یا موسیقی فیلم‌هایی، چون «شکار»، «عروس»، «طلسم»، «شاید وقتی دیگر» و ... کار بیات بوده است.

درگذشت ناگهانی بامداد بیات، فرزند بابک بیات در این روزهای تلخ، رخدادی غیرمنتظره بود که نام پدر را سر زبان انداخت، بعد از تماشای «بن بست» بیننده به دیدار دوباره پدر و پسر فکر می‌کند. در جهانی که از اندوه خبری نیست.

خبر

واکنش رسانه‌های اسپانیایی به سریال آیدا پناهنده پس از موفقیت در جشنواره والنسیا

«در انتهای شب» روایت ایرانی با نگاهی جهانی به چالش های انسانی

چهلمین دوره جشنواره بین‌المللی سینما جوو والنسیا که از ۱۹ تا ۲۸ ژوئن ۲۰۲۵ برگزار شد، شاهد درخشش سریال ایرانی «در انتهای شب» محصول فیلم نت به کارگردانی آیدا پناهنده بود؛ اثری که با بازی‌های درخشان پارسا پیروزفر و هدی زین‌العابدین موفق شد جایزه ویژه هیات داوران را برای بهترین بازیگر مرد و بهترین بازیگر زن را در بخش سریال‌های این رویداد اروپایی از آن خود کند.

به گزارش ایلنا، سریال «در انتهای شب» با روایتی ملموس و واقع‌گرایانه از زندگی عاطفی یک خانواده طبقه متوسط، توانست در رقابت با آثار مطرح کشورهای اروپایی و آمریکای لاتین، نگاه تحسین‌آمیزی از سوی هیأت داوران جشنواره سینماجوو که تمرکز مضمونی آن بر بحران‌های اجتماعی و فرهنگی است، دریافت کند. حضور موفق سریال «در انتهای شب» در جشنواره «سینما جوو» والنسیا و دریافت جایزه بهترین بازیگر مرد و بهترین بازیگر زن برای پارسا پیروزفر و هدی زین‌العابدین، گامی مهم در مسیر تثبیت جایگاه سریال های نمایش خانگی ایران در صحنه بین‌المللی است. رسانه‌های اسپانیایی با نگاهی مثبت، این اثر را نمونه‌ای از سینمای آرام، صادقانه و متعهد دانستند که قادر است بدون هیاهو، حرف خود را بزند و شنیده شود. این سریال که پیش‌تر نیز موفق به دریافت جایزه بهترین کارگردانی از جشنواره سریز مانیا فرانسه شده بود، اکنون با دومین حضور بین‌المللی خود، بار دیگر نشان داد که سریال های ایرانی در صورت بهره‌گیری از روایت‌های عمیق و صادقانه، توانایی حضور شایسته در عرصه جهانی را دارند. رسانه‌ها و برگزارکنندگان جشنواره، انتخاب این سریال را به عنوان بخشی از گفتمان فرهنگی و اجتماعی جشنواره دانسته و آن را در زمره آثاری با رویکرد انتقادی و اجتماعی به جهان امروز معرفی کرده‌اند.

تعدادی از رسانه‌های اسپانیایی در مطالبی به سریال ایرانی «در انتهای شب» محصول فیلم نت پرداخته‌اند.

والنسیا پلازا (Valencia Plaza)

والنسیا پلازا در نقد تحلیلی خود این سریال را به دلیل عمق روانشناختی و اجرای بازیگرانش برجسته دانست: هیأت داوران، بازی‌های عمیق پارسا پیروزفر و هدی زین‌العابدین را تحسین کردند؛ بازی‌هایی که توانسته‌اند بحران‌های درونی و عواطف سرکوب‌شده یک زوج ایرانی را با بیانی ساده اما قدرتمند منتقل کنند. زبان بصری سریال به حدی تأثیرگذار است که بدون نیاز به ترجمه و شرح اضافی، می‌تواند به راحتی با مخاطبان اروپایی ارتباط برقرار کند.

اروپا پرس (Europa Press)

این رسانه معتبر نیز در گزارشی درباره آثار حاضر در بخش سریال‌های رسمی جشنواره سینما جوو نوشت: سریال ایرانی «در انتهای شب» با نگاهی دقیق و عمیق به بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی جامعه امروز بشری، داستان فروپاشی تدریجی رابطه یک زوج در تهران را روایت می‌کند. این اثر به‌خوبی توانسته در میان مجموعه‌هایی که به معضلات نسل جوان، بحران‌های ارتباطی و هویت می‌پردازند، صدایی متفاوت و منحصر به فرد داشته باشد. همچنین مؤسسه فرهنگی والنسیا (Institut Valenci de Cultura - IVC) به عنوان برگزارکننده جشنواره والنسیا در بیانیه رسمی خود آورده است: «جشنواره سینما جوو در چهلمین دوره خود، آثاری را گرد هم آورده که نگاه‌های متفاوت نسل جوان به جهان امروز را منعکس می‌کنند. سریال ایرانی «در انتهای شب» که ماجرای جدایی زوجی در تهران را به تصویر می‌کشد، نماینده این نگاه صادقانه، واقعی و جهانی به چالش‌های انسانی است.

تصویری انسانی از ایران امروز

«در انتهای شب» با پرهیز از اغراق و شعار، به تصویری از ایران امروز دست می‌یابد که هم آشناست و هم جهانی. این سریال بدون نیاز به فضاهای نمایشی پرزرق و برق، از خلال شخصیت‌هایی باورپذیر و موقعیت‌هایی ملموس، پرسشی بنیادین را مطرح می‌کند: «چگونه در جهان پرتنش امروز، می‌توان امید، همدلی و گفت‌وگو را بازسازی کرد؟ در جهانی که بسیاری از رسانه‌ها تصویری کلیشه‌ای یا صرفا سیاسی از جامعه ایران ارائه می‌دهند، این سریال از زاویه‌ای انسانی و هنری به موضوعات مشترک بشری پرداخته و بازتاب رسانه‌ای مثبت آن در اسپانیا، گواهی است بر توانایی هنر ایرانی در عبور از کلیشه‌ها.»

کتاب کودک؛ گنج پنهان ایران در بازارهای جهانی نشر

محتوای غنی و تصویرگری جذاب، برگ برنده کتاب کودک ایران در بازارهای جهانی است، اما چرا این آثار کمتر مجال عرضه در نشر بین‌الملل یافته‌اند؟

به گزارش تسنیم، نشر کودک و نوجوان ایران را سکوی پرتاب نشر ایران در بازارهای جهانی می‌دانند. این حوزه علی‌رغم تکیه بر گنجینه‌ای از محتوا و تصویرگری_ که دو بال اصلی آن را تشکیل می‌دهد_ در یک دهه گذشته نتوانسته زیر سایه چالش‌های اقتصادی، آن طور که باید و شاید مجال عرض اندام داشته باشد.

برگ برنده کتاب ایران در بازارهای جهانی

ادبیات ایران از گذشته تا به امروز، همیشه دست بالا را در "محتوا" داشته است. کارشناسان حوزه نشر کودک ونوجوان بر این باورند که ادبیات ایران، از قصه‌های عامیانه و فولکلور گرفته تا اساطیر و افسانه‌ها، قابلیت بالایی برای جذب مخاطب جهانی دارند. به گفته آنها، می‌توان با بازآفرینی این آثار و ارائه تصاویر جذاب، راهی برای شکوفایی بیشتر ادبیات کودک ایران در عرصه‌های جهانی گشود.

از سوی دیگر، ادبیات کودک ایران در سال‌های پس از انقلاب، با ورود جدی نویسندگان و استعدادهای جدید به این حوزه، سرمایه‌گذاری نهادها و مراکز تخصصی در این زمینه و تربیت نسل جدید و خلاق تصویرگر، توانسته دوران طلایی برای خود رقم زده و با خلق مضامین انسانی در زمینه‌های مختلف از جمله صلح، محیط زیست، خانواده، دوستی، هویت و مسائل اجتماعی دریچه‌های جدیدی به روی این حوزه ادبی بگشاید.

علاوه بر این، "تصویرگری" هنرمندان ایرانی را می‌توان برگ برنده ایران در عرصه جهانی توصیف کرد. تصویرگران ایرانی در دهه‌های گذشته توانسته‌اند با خلق آثار ماندگار، توجه مخاطبان جهانی را به خود جلب کنند. رشد این حوزه در کنار ارتقای کیفیت چاپ کتاب‌های کودک، ارزش هنری صادرات کتاب کودک ایران در چند سال گذشته را افزایش داده است.

با وجود همه این ظرفیت‌ها، موانع و چالش‌هایی مانع از شنیده شدن کتاب کودک ایران در عرصه جهانی شده است. نگاهی به آثار ترجمه شده نشان می‌دهد که موفقیت برخی از این آثار در بازارهای بین‌المللی عمدتاً مرهون تلاش‌های فردی ناشران بوده و دستگاه‌ها و مراکز دولتی نقش کمی برای هموار کردن این مسیر برعهده داشته‌اند. از سوی دیگر، نوسانات ارز، ناآشنا بودن با قواعد بازی در زمین نشر بین‌الملل و عدم شناخت کافی از قواعد بین‌المللی و کپی‌رایت در کنار فقدان بازاریابی منسجم در این عرصه، کار را برای حضور پررنگ ناشران سخت‌تر کرده است؛ مسائلی که حل و فصل آن بیشتر از جانب دستگاه‌های متولی امر انتظار می‌رود. ایران، با وجود محدودیت‌های ارزی و تبادلات بانکی، بازار خوبی برای صادرات نشر خود دارد. بازار کشورهای منطقه، به ویژه کشورهای عرب‌زبان و مخاطبان وطن فارسی، می‌تواند اولین بازارهای هدف نشر ایران برای صادرات در نظر گرفته شود. تجربه حضور ناشران در رویدادهای فرهنگی کشورهای منطقه، بیانگر استقبال آنها از کالای ایرانی و نیاز آنها به این محتواست. علیرضا سبحانی‌نسب، مدیر نشر جمال، در این‌باره به تسنیم گفت:

نشر ایران به دلیل نداشتن ساز و کار مناسب، ارتباط دقیق، درست و شفافی نیز با هیچ جای جهان ندارد، نه تنها در بخش کودک که در بخش بزرگسال نیز از این بیماری رنج می‌برد. هرچند ارتباط نشر ایران با جهان اسلام نیز به همین صورت است، اما به نظر می‌رسد که اوضاع کمی بهتر باشد؛ به طوری که برخی از ناشران توانسته‌اند با ناشران جهان اسلام حتی اهل سنت خارج از کشور ارتباط برقرار کرده و آثارشان را به دیگر زبان‌ها منتشر کنند.

او با بیان اینکه بخش خصوصی همه ظرفیت‌های نشر منطقه را نمی‌شناسد و گاهی ورودش خیلی هزینه دارد، ادامه داد: منظور از هزینه، لزوماً مالی نیست. برای ورود به فضای بین‌الملل یک ناشر الزاماتی دارد، از دانستن زبان مقصد گرفته تا سواد عملیات مالی بین‌المللی، نحوه عقد قرارداد بین‌المللی، داد و ستد بین‌المللی، داشتن سواد آماده‌سازی کار پر جاذبه بین‌المللی و... . این‌ها هزینه‌هایی است که ناشر تا به فضای بین‌الملل ورود نکند و هزینه‌اش را نپردازد، به این دانش‌ها نمی‌رسد. حال پرسش اینجاست که چه کار باید کرد؟

او ادامه داد: ما در این مرحله به یک مجموعه میانی نیاز داریم که بین ناشران ایرانی و جهان اسلام ارتباطی ایجاد کند؛ مجموعه‌ای که منافع اقتصادی و شخصی مستقیماً نصیبش نباشد و از سوی دیگر، ماموریتش نیز دائمی تعریف نشود. این مجموعه می‌تواند به مدت مثلاً پنج سال به ایجاد ظرفیت برای نشر ایران در جهان اسلام و جهان عرب بپردازد. وقتی این مهم محقق شد، باقی کارها را خود ناشران می‌توانند پیش ببرند. در واقع این مجموعه باید دست ناشران را بگیرد و در بازار جدید، به مقصد برساند. به گفته او؛ سالانه ۷۰ هزار عنوان کتاب در ایران منتشر می‌شود که یک‌چهارم از این تعداد قابلیت عرضه در بازار نشر جهان اسلام و عرب را دارد و می‌تواند به زبان عربی ترجمه شود.

آغازی امیدوارکننده برای صادرات کتاب

برگزاری فلوشیپ تهران در سال جاری اولین قدم ایران برای تحقق رویای صادرات کتاب کودک ایران بود؛ اتفاقی که بسیاری از اهالی نشر آن را مثبت ارزیابی کرده و در نهایت منجر به ۱۶۸ پیش‌قرارداد میان ناشران ایرانی با ناشرانی از ۳۰ ناشر و آژانس ادبی خارجی شد.

ناشران و فعالان نشر، فلوشیپ تهران را اولین قدم رسمی برای ارتقا و توسعه نشر تخصصی می‌دانند و بر این باورند که پیشرفت این رویداد، منوط به در نظر گرفتن مقدماتی از جمله واسپاری امور به بخش خصوصی، گسترش همکاری‌های بین‌المللی، آموزش به ناشران و جذب سرمایه‌گذاری هدفمند است.

کتاب کودک , بازار نشر , ترجمه , گرنت , نشر کودک و نوجوان ,

رضا حاجی‌آبادی، مدیر انتشارات هزاره ققنوس، در این‌باره به تسنیم گفت: هنوز نسبت به نشر ایران، نویسندگان و آژانس‌های ادبی ناآگاهی وجود دارد. ناشران خارجی که در این رویداد حضور داشتند، کم و بیش بعضی از آژانس‌های ادبی یا

نویسندگان مطرح ما را می‌شناختند. مسئله اینجاست که ما در این سال‌ها اقدام به برندسازی از نویسندگان و آژانس‌های ادبی‌مان نکردیم. باید فارغ از نگاه دولتی، نویسندگان مختلف به کشورهای خارجی معرفی شوند؛ چرا که وقتی کتاب معرفی شود، مسیر برای انتقال فرهنگ نیز هموار می‌شود.

صادرات کتاب کودک ایران نه تنها یک فعالیت اقتصادی، بلکه یک کنش فرهنگی است که به معرفی هویت و فرهنگ ایرانی به کودکان جهان کمک کرده و تداوم آن، نقش بسزایی در تقویت دیپلماسی فرهنگی و ایجاد تصویری مثبت در عرصه بین‌المللی دارد. تمرکز بر آثار خلاقانه و جهانی، بازاریابی جهانی، حمایت از ترجمه، حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی و اعتماد به بخش خصوصی از جمله اقداماتی است که می‌تواند به تحقق این رویای ۲۰ ساله کمک کند.